

نامه دوم نین به ماکسیم گورکی

آلکسی ماکسیمویچ عزیز

تونکوف^(۱) را ملاقات کردم. حتی پیش از دیدار او و دریافت نامه ی تو، در کمیته ی مرکزی تصمیم گرفته بودیم کامنف و بوخارین را مأمور کنیم به وضع روشنفکران بورژوازی هوادار کادت^(۲) که دستگیر شده اند برسند و تا آنجا که ممکن است آنها را آزاد کنند؛ چون برایمان روشن است که در این مورد اشتباهاتی هم صورت گرفته. واضح است که در مجموع، اکثر دستگیرشدگان از افراد کادت (و هوادارانشان) بوده اند و این عملی درست و ضروری بوده.

وقتی اظهار نظر شدید اللحن تو را در باره ی این موضوع می خواندم به یاد گفته ی خودت افتادم که از صحبت هایمان [در لندن، کاپری و بعد از آن] به خاطرمانده بود:

ما هنرمندان افراد بی مسوولیتی هستیم

واقعاً! تو این عبارت خشمگین را در باره ی چه چیزی بر زبان می آوری؟ در باره ی چند دوجین (با شاید هم صدتایی) اشراف زاده ی کادتی یا هوادار کادت که چند روزی به زندان افتاده اند تا از توطئه هانی چون محاصره ی کراسنایا گورکا که جان ده ها هزار کارگر و دهقان را تهدید می کند جلوگیری شود؟ حقا که فاجعه است! چه بی عدالتی بزرگی! چند روز یا حتی چند هفته زندان برای روشنفکران، به این خاطر که از کشتار ده ها هزار کارگر و دهقان جلوگیری شود!

هنرمندان افراد بی مسوولیتی هستند

خطا است که نیروی روشنفکری خلق را در نیروی روشنفکران بورژوا ادغام کنیم. از نیروهای روشنفکران بورژوا، برای نمونه کورولنکو^(۳) را مثال می زنم. اخیراً جزوه ی جنگ، میهن، و بشریت او را که در ماه اوت ۱۹۱۷ نوشته می خواندم. توجه کن، کورولنکو یکی از بهترین «هواداران کادت ها» و تقریباً منشویک است. اما چه اثر مکارانه ی! دفاع شرم آور از جنگ امپریالیستی در پس عبارات شیرین و فریبنده! آدم هرزه ی حرامزاده یی که غلام حلقه به گوش تعصبات بورژوازی است! برای چنین حضراتی کشتن ده میلیون نفر در يك جنگ امپریالیستی به توجیهش می آرز (با شگردهائی همراه با عبارت شیرین «علیه» جنگ). اما مرگ صدها هزار نفر در يك جنگ به حق داخلی علیه زمینداران و سرمایه داران، آه از نهادشان بر می آورد و اشک و آه و ناله های دیوانه و ارشان را بلند می کند.

خیر، به این جور «استعدادها» اگر چند هفته یی را در زندان بگذرانند، هیچ گونه آسیبی وارد نمی شود، به خصوص که با این کار از توطئه ها (مانند کراسنایاگورکا) و مرگ ده ها هزار نفر جلوگیری می شود. ما که این توطئه های کادت ها و هواداران شان را افشا کردیم می دانیم که پروفیسورها به اغلب توطئه گران یاری می رسانند. بله، این واقعیتی است.

نیروهای روشنفکری کارگران و دهقانان رشد پیدا می کنند و در روند مبارزه قدرت بدست می آورند تا بورژوازی و نوچه هایش، پادوهای روشنفکری سرمایه را سرنگون کنند. همان کسانی را که تصور می کنید تنها مغزهای متفکر ملت هستند. حقا که نه فقط مغز متفکر نیستند، بلکه....

ما به نیروهای روشنفکری که در صدند علم را به میان مردم ببرند (و مانند نوکران سرمایه عمل نکنند) سالیانه نی بیش از حد معمول می پردازیم. این هم واقعیتی است.

من به روحيات و خلقىات تو واردم و همه‌ی موارد را می توانم به خوبی درك كنم (زیرا سوالاتی مطرح می کنی که از خلال شان می توانم کاملاً افکارت را بخوانم) در کاپری و بعد از آن، بارها بهت گفته ام: اجازه می دهی بدترین عناصر محافل روشنفکری بورژواها دورت را بگیرند و در برابر عجز و لایه‌ی آنها سر تسلیم فرود می آوری. به زوزه ی صدها روشنفکر که از دستگیری «وحشتناک» این چند هفته فغان شان به آسمان رسیده گوش می دهی، اما صدای توده ها، صدای میلیون ها کارگر و دهقان را نمی شنوی و به فردیاشان گوش نمی دهی که توطئه گران دنیکن، کلچاک، لیانوزوف، رودژیاتکو، کراسنایگورکا [و سایر کادت ها] تهدیدشان می کند. کاملاً می فهمم و خوب هم می فهمم که با این حساب، آدم نه تنها می تواند بنویسد که «سرخ ها به اندازه ی سفیدها دشمن مردمند» (مبارزان طریق سرنگونی سرمایه داران و زمینداران، به همان اندازه ی زمینداران و سرمایه داران دشمن مردمند)، بلکه می تواند به رحیم بودن آسمان یا پدر ما، تزار هم معتقد باشد. می فهمم و خوب هم می فهمم.

* * *

نه، واقعاً اگر خودت را از این محیط روشنفکران بورژوا بیرون کنشی مدفون خواهی شد. از ته قلب آرزو می کنم که هر چه زودتر به این عمل دست بزنی.

با بهترین آرزوها

لنین

زیرا چیزی نمی نویسی! آیا برای هنرمند که وقتش را صرف آه و ناله‌ی روشنفکران فاسد می کند و چیزی نمی نویسد شرم آور نیست؟ تباهی نیست؟

نوشته شده در ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۹

ارسال به پتروگراد

در مجموعه‌ی آثار به زبان انگلیسی، ج ۴۴ ص ۸۴-۲۸۳

نکته‌ی بسیار جالب این است که سه چهار ماه پس از این تاریخ، گورکی در مقاله‌ی نی به مدح لنین پرداخت و از جمله او را «نیکوترین انسانی» خواند «که جهان تا به امروز به خود دیده» و نوشت «لنین، شخصیتی حقیقی است که تدریجاً به موجودی اساطیری مبدل شده». لنین که دشمن فردپرستی بود از مشاهده‌ی این نوشته که به عنوان سرمقاله، در شماره ی ۱۲ مجله‌ی انترناسیونال کمونیست به چاپ رسیده بود سخت به خشم آمد و حاصل آن پیشنهاد زیر بود که تسلیم دفتر سیاسی حزب کرد:

به اعضای دفتر سیاسی امضای [این طرح را] پیشنهاد می کنم:

دفتر سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب، انتشار مقالات گورکی در شماره ۱۲ انترناسیونال کمونیست و به خصوص سرمقاله‌ی آن را نابجا می‌داند، این مقالات نه فقط حامل هیچ پیام کمونیستی نیست، بلکه دارای بسیاری نکات ضدکمونیستی نیز هست. به هیچ وجه در آینده نباید مقالاتی از این دست در انترناسیونال کمونیست به چاپ رسد.

لنین

۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰

طرح، به جز، به امضای تروتسکی، کرسینسکی، و کالنین نیز رسیده است.

زیر نویس ها:

۱- ولادیمیر نیکلایویچ تونکوف [۱۸۷۲-۱۹۵۴] متخصص علم تشریح، از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۵ آکادمی پزشکی نظامی را اداره کرده است. بارها لنین را ملاقات کرده و با او در باره ی شرایط زندگی بهتر دانشمندان گفتگو کرده است.

۲- کادت یعنی حزب دموکرات. مشروطه طلب. این حزب که حزب عمده ی بورژوازی روسیه و در واقع حزب بورژوازی لیبرال سلطنت طلب بود در اکتبر سال ۱۹۰۵ تأسیس شد. کادت ها که دموکراتیسم جعلی را وسیله ی استتار خود قرار داده و حزب شان را حزب «آزادی خلق» نامیده بودند می کوشیدند دهقانان را به سوی خود جلب کنند. کادت که هدفش حفظ تزارسم به شکل سلطنت مشروطه بود بعدها به حزب بورژوازی امپریالیستی تبدیل شد. پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، کادت ها بر ضدجمهوری و انقلاب اقدام به توطئه ها و شورش های متعدد کردند.

۳- ولادیمیر گالاکینوتوویچ کوروکنکو [۱۸۵۳-۱۹۲۱] نویسنده و روزنامه نگار روسی.

بازنویس: یاشار آذری، فروردین ۱۳۸۳.

www.kargar.org